انشائات طولی

شاگرد: نظر حضرت عالی در مورد اعمال در مقام ثبوت چیست؟ چون ظاهراً نکته‌ای که در ذهن بزرگان بوده و این را نفرمودند این است که اعمال در مقام ثبوت لازم می‌آید. یعنی آیا خطاب اول شارع نسبت به خطاب دومش مطلق است؟ شما می‌فرمایید مطلق نیست. اگر هم مقید است که جعل واحد می‌شود. در عالم ثبوت امر واحد می‌شود. لذا مرحوم صدر در بحث صحیح و اعم وقتی می‌خواهند جامع صحیح را ترسیم کنند، فرمایشی دارند که ظاهراً فرمایش شما با آن منافاتی ندارد. چون جامع «أوی» داریم. می‌گویند مثلاً برای نماز عشاء یک جامع «أوی» داریم و می‌گوییم برای زن تخییری بین جهر و اخفات صحیح است. و برای مرد جهری است. و برای مسافر دو رکعتی است، برای حاضر چهار رکعتی است. برای افراد مختلف «أو» دارد. در نهایت یک خطاب می‌شود که همه آنها با «أو» های مختلف است. یعنی یک انشاء واحدی است که اطرافش فرق می‌کند. می‌خواستم ببینم فرمایش شما هم همین است یا با این متفاوت است؟

استاد: اینطور نه. آن چه که در ذهن من است، به این بیان نیست. این را که فرمودید یادم آمد از تقریری که علامه طباطبایی در تعلیقه اسفار دارند؛ می‌خواهند مساوات محمول با موضوع را در عرض ذاتی حفظ کنند، با همین «أو» آن را درست می‌کنند. خُب این یک نحو تصحیح امر است. برای اینکه ما بتوانیم انشاء واحد با جعل واحد را درست کنیم. حال آیا موافق ارتکازات ما هست؟ یا بعد از اینکه در کلاس با اشکالات مواجه شدیم، این را راه‌حل قرار دادیم؟ و راه‌حل درستی هم می‌دانستیم. من در آن حرفی ندارم. آن چیزی هم که می‌خواهم الآن روی آن تأکید کنم همین است. الآن هم از فرمایش ایشان آورده‌ام.

شاگرد: در فرمایش شما خطاب اول نسبت به خطاب دوم مهمل است؟

استاد: در مقام ثبوت چون انشائات اولیه بین طبائع است، درعین‌حالی که تعیین نیست ابهام هم نیست. نکته‌ای که عرض من است، همین است. ابهام نیست، چرا؟ چون در مقام انشائات در اقصر الطرق، شارع بین دو طبیعت رابطه برقرار می‌کند. در ارتباط بین دو طبیعت، چون طبایع فی حد نفسه ارتباطشان معقول و متصور و حکیمانه است، لازمه آن سراغ آنها رفتن نیست. مثلاً کسی در کوچه از شما می‌پرسد نماز چندتا است؟ می‌گویید پنج نماز واجب داریم. می‌گویید نماز ظهر چند رکعت است؟ می‌گویید چهار رکعت است. اصلاً این ارتکازاتی است که همه متشرعه دارند.

شاگرد: اینها در مقام اثبات است. شما می‌خواهید تعدد را در عالم ثبوت مطرح کنید.

استاد: من می‌خواهم تعددی را عرض کنم که در طول هم هستند.

شاگرد۲: منظورتان از ثبوت و انشاء چیست؟

شاگرد: واقع و زمانی‌که شارع جعل می‌کرده.

شاگرد۲: منظور از واقع، ملاکات است؟

شاگرد: نه. انشاء ثبوتی منظورم است.

استاد: الآن به آن می‌رسیم.

دیروز بحث ما به اینجا رسید که فرمودند تعارض بین آن‌ها باشد؛ آیا معنا دارد که شارع کل ماه را در نظر بگیرد و بگوید عبادت واحده است و منحصراً باید این ماه را نیت کنید؟ در گام بعدی وقتی وقت صوم تغییر می‌کند و سی روز می‌شود؛ قطعاً اقل و اکثر ارتباطی نیست، ولی علی ای حال به‌عنوان یک ماه برای خودش احکامی دارد. مثلاً یکی ازآن‌ها این است که اگر تا ماه مبارک بعدی نتوانست قضا کند، قضاء از مریض ساقط می‌شود. چون نتوانست هیچ‌کدام را بگیرد. بعضی را بگیرد مانعی ندارد.

آن چه که منظور من است، این است که برای کل ماه احکامی در شرع هست یا نیست؟ الآن فروعات خاصی در ذهن من نیست. شاید یکی از فروعاتش این باشد؛ شاید بعضی از فقهاء گفته بودند کسی که در شب عید فطر مهمان شما است و باید شما فطریه آن را بدهید، کسی است که کل ماه، مهمان شما باشد. یک قولی اینچنین بود. یعنی مهمان شب عید فقط نیست، بلکه باید یک ماه مهمان باشد.

شاگرد: دروغ بستن به خدا و پیامبر از کدام دسته است؟ این‌ها طبیعتاً غروب نیست، یا برای روز است یا برای ماه است.

استاد: می‌گویند دروغ بستن حرمت تکلیفی مطلق دارد، در خصوص حال روزه، غیر از خصوص حرمت تکلیفی، مفطر هم هست.

شاگرد: یعنی اگر شب دروغ بگوید، نکته‌ای ندارد؟

استاد: نه، دیگر مفطر نیست. کفاره هم ندارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 13:54:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 13:55:36 توسط ... .